

و ان هذا صراطى مستقيما فاتبوه و لاتبعوا السبل فتفرق
بكم عن سبيله (انعام آیه ۱۵۴)

و این است راه راست من که خدای شما هستم (که راه توحید و دیانت است
پس متابعت و پیروی نماید این راه و متابعت نکنید راه‌های پراکنده و عقاید
مختلفه را زیرا که آن راه ها میان شما ملت را جدائی می افکند و از
راه خدا دور میکند

کتاب منهج القويم

در معرفت صراط المستقيم

در شناسائی یغمبر ص و ائمه طاهرین علیهم السلام
تألیف

فقه الاسلام دانشمند بزرگ آقاي مبارکه

برای زیلاتی انتفاع برادران
ایمانی در دنباله

صراط المستقيم

ب‌طبع رسید

چاپخانه شرکت طلوع



قال النبي (ص) مثل من يعلم و يعلم كمثل السراج يضيء
 يحرق نفسه (عوامل)

دانشمندی که از دانش خود مردم را دانا کند همانا مانند چراغی است
 که روشنی بدیگران میدهد ولی خرد از صدمه جهال سوزان است
 سوختن و روشنی افروختن با که توان گفت بجز سوختن (مبارکی)

كانها كوكب سري يوقد من سراج مبارك



ابو الكلام و حجة الاسلام و سادات
 الحاج سيد محمد علي لمباركي

عن الفضل بن اسماعيل عن الصادق (ع) ان الرجل فيكم ليكون في احواله فيتخذ الله يوم القيمة دلي
 جبرانه فيقال له يمين فلان بينكم الم تسهوا كلامه الم تسهوا ابنا في الليل فيكون حجة الله عليهم

الذي
 قال هم سراج اهتدي في الدنيا
 و عنده صلي الله عليه و آله سادات جبرائيل عن صاحب العلم قال هم سراج اهتدي في الدنيا

عن الرضا عن آباءه ع قال رسول الله اللهم ارحم خلفائي ثلاث مرات
 فقيل له يا رسول الله و من خلفائك قال المدين يأتون من بعدي يروون
 احاديثي فيعلمونها الناس (كافي)

بسم الله الرحمن الرحيم

پس از ستایش حضرت پروردگار و درود بر روان پیمبران او خصوص حضرت خاتم الانبیاء محمد بن عبدالله و دوازده جانشینان طاهرین او معروض میدارد بنده فقیر و نیازمند در گناه یزدانی محمد علی بن علی الموسوی المبارکی در اینکه برای هر مسلمانی لازم است شناسائی پیغمبر و امام و رهنمایان دین خود ولو بر سبیل اجمال ازین جهت این مختصر نوشته شد برای علاقه مندان بدیانت که پیغمبر و جانشینان او را بشناسند که پس از معرفت توحید معرفت در باره آن ذوات مقدسه است و نام نهادیم او را

بمنهج القويم در معرفت صراط المستقیم وبالله التوفیق

(پیغمبر اسلام)

پیغمبر اسلام و مؤسس اساس توحید نام نامیش محمد صلی الله علیه و آله پدر بزرگوارش عبدالله پسر عبدالمطلب پسر هاشم (که سلسله بنی هاشم از نسل او میباشند) پسر عبد مناف پسر قصی پسر کلاب پسر مرة پسر کعب پسر لوی پسر غالب پسر فهر پسر مالک پسر نضر پسر کنانه پسر الیاس پسر مضر پسر ترار پسر معد پسر عدنان پسر آد پسر اود پسر الیسع پسر همیسع پسر سلیمان

پسر نبت پسر حمل پسر قیدار پسر اسماعیل پسر ابراهیم خلیل ع پسر تارخ پسر ماخور پسر شروع پسر ارغو پسر قالم پسر عابر پسر شالح پسر ارفحشد پسر سام پسر نوح (ع) پسر ملک پسر متوشلخ پسر اخنوخ پسر الیازر پسر مهلائیل پسر ثعبان پسر انوش پسر شیت پسر آدم صفی علیه السلام

سال تولد آنحضرت

۲ شنبه هفدهم ماه ربیع الاول بعد از طلوع فجر در عام الفیل که چهل سال قبل از مبعوث شدن آن حضرت باشد متولد گردید و آن سال را عام الفیل نام نهاده اند بواسطه آنکه ابرهه از طرف پادشاه حبشه از یمن بقصد ویران کردن خانه کعبه بمکه آمد چون نزدیک مکه رسید مرغهای ابابیل از هوا لشکر ابرهه را که فیلهای جنگی در جلو آنها بود سنک باران نمودند و تمام آنها مانند برك خزان بدنهای سوراخ سوراخ بر زمین ریختند و چون این قضیه غیر هادی و خارج از قانون طبیعت نمود و مکه محفوظ ماند ازین جهت آنسال را عام الفیل نامیدند و منشاء تاریخ برای مردم مکه واقع شد و سوره فیل در قرآن راجع باین قضیه است که از بزرگترین دلائل توحید است

مادر آنحضرت

مادر آنحضرت مخدره معظمه آمنه دختر وهب بن عبدمناف بن زهرة بن کلاب میباشد وهب برادر جناب هاشم بن عبدمناف است

اول نازل شد اقرء باسم ربك الذی خلق بود و دوم آیه یا ایها المدثر بود در خانه خدیجه بعد از چند ساعتی که از کوه حرا منزل خدیجه تشریف آورد و سه سال در خفا تبلیغ فرمود سپس آشکارا با امر حق تبلیغ فرموده و روز بعث مطابق با نوروز عجم بود و پس از پنج سال اصحاب آنحضرت از صدمه کفار ناچار اصحاب آنحضرت هجرت بحبشه نمودند و نجاشی پادشاه حبشه از آنها پذیرائی نمود و پس از شش ماه از هجرت اصحاب حضرت صدیقه متولد گردید و در سال ششم از بعثت قصه شعب ابی طالب واقع گردید که آنحضرت را در شعب که محلی است مخصوص در دامنه کوه مکه ابوطالب عموی آنحضرت با جمعی از مؤمنین به برد تا حراست نماید و کفار هم قسم شدند که به آل عبدالمطلب چیزی نفروشدند و از آنها چیزی نخرند مگر آنکه آنها پیغمبر را بآنها تسلیم نمایند ابوطالب تمام آل عبدالمطلب را با آنحضرت در شعب به برد و آنها را حفاظت می نمود و کفار معاهده کردند که خار بار بروی آنها مسدود دارند تا از شدت گرسنگی تسلیم شوند عاقبت دیدند فائده ندارد در این اندیشه افتادند که آنحضرت را بریاست کل عرب بگمارند بشرط آنکه تبلیغ کلمه لا اله الا الله را موقوف سازد چون ابوطالب این سخن بگوش آنحضرت رسانید فرمود اگر ماه را در دست من و آفتاب را در دست دیگرم بگذارند و ریاست شرق و غرب بمن دهند من همه را در راه کلمه خدا قربان خواهم کرد عاقبت پس

از سه سال آنحضرت از شعب بیرون آمد ولی مشرکین دست از آزار بر نداشتند در سال ۱۰ بعثت حضرت ابوطالب وفات یافت در بیست و ششم ماه رجب و هم در این سال خدیجه برحمت الهی پیوست و در آخر همان سال برای دعوت مردم طائف بدان شهر تشریف برد و بعضی سال بعد نوشته اند و در همان سال سوده بنت زمعه را تزویج فرمود و در آخر آن سال عایشه را تزویج فرمود و در یکسال بعد داستان معراج رخ داد در شب هفدهم رمضان و در سال بعد از این سال مردم مدینه در عقبه بار دوم بسا آنحضرت بیعت نمودند و در سال سیزدهم داستان هجرت واقع شد و در این مدت از مردان اول کس که ایمان آورد امیر المؤمنین ع بود و از زنان خدیجه کبری

هجرت آنحضرت

جمعی از مؤمنین بواسطه معاهده با مردم مدینه قبلا هجرت نمودند کفار قریش مطلع شدند در دارالندوه (دارالشورای) جمع شدند و رأی دادند از هر قبیله بگنفر اختیار کنند و آنحضرت را بقتل رسانید که تمام قبایل در خون آنحضرت شریک باشند پس آنحضرت در شب میعاد مشرکین علی را در بستر خود خوابانید و خود از مکه بسوی غار ثور تشریف برد و آن شب پنجشنبه غره ماه ربیع الاولی بود و ابی بکر بآن حضرت ملحق شد پس از سه شبانه روز در نیمه شب علی سه شتر بر در غار حاضر ساخت و پیغمبر روانه بجانب مدینه

شد و روز دو شنبه دوازدهم وارد محله قبا شدند (مجلسی است نزدیک مدینه) و این سال ابتدای تاریخ هجری شد که در میان مسلمین دنیا شمسی و قمری آن تاریخ رسمی است و اکنون هزار و سیصد و شصت و پنج سال قمری است و هزار و سیصد و بیست و چهار شمسی و پس از چند روز ورود مدینه اهل بیت آنحضرت وارد شدند و در سال اول هجرت جمله تشریح شد و بنای مسجد قبا واقع شد و عقد مواخاة بین مهاجر و انصار بسته گردید و در سال دوم روزه و جهاد فرض شد زیرا که مشرکین متحد شدند هجوم بمدینه و قتل عام مسلمانانرا ازین جهت جهاد از برای مسلمانان بجهت اعلاء کلمه الله و حفظ ناموس دین و مسلمانان فرض شد

غزوات آنحضرت

مهمترین غزوه بزرگ که در مدت زمان هجرت واقع شد اول غزوه بدر دوم غزوه احد سوم غزوه خندق چهارم غزوه بنی قریظه پنجم غزوه بنی المصطلق ششم غزوه خیبر هفتم غزوه فتح مکه هشتم غزوه حنین نهم غزوه طائف و کلمه غزوه بمعنی جنگ است که بعنوان لشکر کشی باشد بعنوان زد و خورد و نزاع و با فقط لشکر فرستادن و جانی را تصرف کردن و کلیه غزوات بزرگ سی و شش غزوه است که بنفس شریف خود در آن غزوه تشریف داشتند و پیش از این نیز نوشته اند و در سال سوم هجرت تزویج فاطمه زهرا باعلی ع واقع شد و بعضی سال پنجم نوشته اند و اصح پنجم است و در

سال چهارم غزوه مهم احد واقع شد و در ششم فرض حج شد و در هفتم پیغمبر (ص) مسموم شد زینب بنت حارثه خیبری که زهر در غذای آنحضرت نمود و تا آخر عمر هر سال اثرش ظاهر میشد و در این سال فتح خیبر بود و در هشتم ابراهیم فرزند آنحضرت متولد شد و منبر برای آنحضرت در این سال ساخته شد و خالد بن ولید و عمرو بن العاص در این سال اظهار ایمان نمودند و غزوه مونه و شهادت جعفر طیار و فتح مکه واقع شد و در سال نهم غزوه تبوک واقع شد و در سال دهم از هجرت جناب ابراهیم رحلت نمود و حجة الوداع و داستان خم غدیر در این سال واقع شد و در سال سیزدهم مهبای جنگ با روم شدند و پیغمبر میل داشت منافقین را از مدینه بیرون سازد که چون وفات آنحضرت می رسد راجع بخلافت امیر المؤمنین دسیسه نکنند ولی عایشه فهمید و مانع شد و آنها بیرون نرفتند

وفات آنحضرت

در بیست و هشتم ماه صفر سال یازدهم هجری روز دو شنبه قبل از غروب آفتاب در حالتیکه در خانه عایشه تشریف داشت روح مقدسش از این خاکدان عالم دنیا بعالم قدس و لقای الهی پرواز کرد

زوجات آنحضرت

بدانکه تعدد زوجات آنحضرت را بعضی یازده و بعضی پانزده نوشته اند ولی واضح یازده است دو نفر از آنها در زمان

آنحضرت رحلت نمودند و نه نفر باقی بودند خدیجه کبری ام المؤمنین رضی الله عنها و زینب بنت خزیمه ملقبه بام المساکین قبل از آنحضرت رحلت نموده بودند و دیگر سوده بنت زمعه و عایشه دختر ابی بکر و حفصه دختر عمر بن الخطاب و ام السله دختر ابی اسد خدیفه بن مغیره و زینب بنت جحش و جویریة دختر حارث بن ابی ضرار و رملة مکناة بام حبیبه دختر ابی سفیان خواهر مغاویه و صفیه دختر حی بن اخطب و میمونہ دختر حارث بن جون بودند که حین وفات آنحضرت در حیوة بودند

سر تعدد زوجات

در کتب بنی اسرائیل و نصاری از برای داود و سلیمان سیصد و هزار زن نوشته اند در این صورت نمی توانند یهود و نصاری طعن باین زوجات عده کم بر پیغمبر اسلام وارد آورند و سر این تعدد مجسم کرده اخلاق خویش بود زیرا که هیچ پیغمبری نتوانست با دو زن بطوری رفتار کند که عاقبت فسادها در او پیدا نشود ولی آنحضرت در این تعدد زوجات اخلاق خویش را چنان نمایش داد که یکنفر از آنها پس از وفات آنحضرت اندک کدورت در دل آنها نبود و حال آنکه موسی و عیسی نزدیک جنس زن نرفتند و صلب آنها عقیم ماند ولی از آنحضرت يك فاطمه بوجود آمد که آثار این در دنیا بقدری است که هیچ پیغمبری از نسل خود آن آثار ندارد

اولاد های آنحضرت

از خدیجه کبری سه پسر داشت و چهار دختر قاسم و زینب و رقیه و ام کلثوم قبل از بعثت متولد شدند و جناب طیب و طاهر و فاطمه زهرا ع بعد از بعثت و در مدینه ابراهیم متولد شد مجموعاً چهار پسر و چهار دختر و غیر از فاطمه زهرا تمامی قبل از آنحضرت از دنیا رفتند

مکان دفن و مدت عمر آنحضرت

از روز ولادت تا سماعت تا روز وفات شصت و سه سال و یازده ماه و دو روز بنا بر بعضی روایات معتبره مدت زمان زندگانی آنحضرت بود و در مدینه طیبه در حجره از حجرات خانه خود مدفون گردید از بعثت تا هجرت دوازده سال و هفت ماه و سه روز و از هجرت تا رحلت ده سال الا سه روز بود

فاطمه زهرا (ع)

تولد اینمغدره جمعه ۲۰ جمادی الثانیه سال پنجم از بعثت واقع شد نام شریفش فاطمه مادرش خدیجه بنت خویلد پدر بزرگوارش پیغمبر خاتم شوهرش علی مرتضی اولاد طاهرینش حسن و حسین و زینب و کلثوم و محسن که سقط شد

وفات آنحضرت

بنا بر مختار کلینی هفتاد و پنج روز بعد از وفات پیغمبر (ص) سیزدهم جمادی الاوی یازدهم هجرت و بقولی پنجم جمادی الثانیه بعد از جمادی الاوی را گفته اند روز سه شنبه و حین رحلت مدت هفده سال و یازده ماه و سیزده روز از سن شریفش گذشته بود

محل دفن آن مخدره

بنابر آنچه در روایت اهل سنت مانند روایت صحیح بخاری و روایات شیعه است چون آن مخدره خشمناک از ابی بکر و عمر بوده وصیت فرموده که شب او را دفن نمایند و بهمین جهت محل دفن اختلاف است در مزار بحار بروایتی از کافی نقل نموده که در خانه خود مدفون گردید و بروایتی در بقیع و بروایتی در میان قبر و روضه حضرت رسول و اول اقواست

وصی رسول الله (ص) علی ابن ابیطالب (ع)

بدانکه اوصیاء حضرت ختمی ماب دوازده نفر میباشند مطابق نصوص صریحه که از شخص پیغمبر (ص) سنی و شیعی روایت نموده اند و در آن روایات حضرت رسول (ص) اسم و لقب و خصوصیات این دوازده وصی رامعین فرموده اند و کتابهای بسیاری علمای سنی در خصوص ائمه اثنی عشر نوشته اند و اختلاف سنی و شیعه راجع بخلیفای ثلاث میباشد که آنها گویند خلافت با وصایت جداست و برای پیغمبر (ص) چهار خلیفه معتقد میباشند اول ابی بکر دوم عمر سوم عثمان چهارم حضرت امیر و ضدیت آنها با شیعه ازین جهت است که شیعه زیر بار خلافت آنها نمی رود بدلیل آنکه معنی ندارد تفکیک میان وصایت و خلافت را و پس از اینکه او وصیت علی بنص قرآن ثابت شد از هر جهت اولویت با اوست و باید خلیفه بلافضل باشد که مشروحا علمای شیعه در کتب مفصله بیان نموده اند والا ضدیت سنی از باب عقیده داشتن شیعه بدوازده امام نیست و این بنده اخبار وارده از طرف حضرت رسول (ص) را که در کتب اهل سنت

است در کتابی علی حده نوشته ام بیش از سیصد میشود پس اول از خلفا و اوصیاء آنحضرت علی بن ابی طالب علیه السلام است

تولد آنحضرت

مشهور آنکه در سیزدهم رجب سی ام بعد از عام الفیل متولد گردید مادر آن جناب فاطمه بنت اسد پدر بزرگوارش جناب ابوطالب عم گرام حضرت رسول (ص) و سنی و شیعه نوشته اند که تولد آنجناب در جوف کعبه واقع شد و این خصیصه ایست برای آنحضرت که از برای هیچ کس در اسلام نیست

اسم و لقب شریف آنحضرت

نام مقدس آنحضرت علی است و اشهر القاب آنحضرت امیر المؤمنین است و کنیه آنحضرت ابوتراب و ابوالحسن و ابوالانامه میباشد و القاب و کنیه های دیگر از برای آنحضرت بسیار است

شهادت آنحضرت

مشهور میان علمای اسلام آن است که در شب جمعه نوزدهم ماه رمضان سال چهارم هجرت وقت طلوع فجر در محراب مسجد کوفه در حین نماز بدست ابن ملجم عبدالرحمن مرادی بسعایت جمعی از خوارج که در کوفه پنهان بودند بضربت شمشیر بدرجه شهادت فایز گردیدند

مدت عمر آنحضرت

بنا بروایتی از امام محمد باقر و امام محمد تقی شصت و

پنج سال مطابق حساب دقیق از سال تولد آنحضرت تا حین شهادت و بقول شصت و چهار سال و بعضی شصت و سه و بعضی شصت و دو نیز گفته اند مدت امامت آن حضرت بعد از رسول خاتم (ص) وقت شهادت بیست و نه سال و شش ماه بیست روز بود که مدت چهار سال و پنج ماه و سه روز بعد از غصب خلافت آنحضرت خلافت ظاهر به نمود

مدفن شریف آن حضرت

باجماع شیعه در نجف اشرف واقع شده است در همین موضعی که اکنون معروف است و آنچه در نزدیکی بلخ است ساختگی های اهل سنت است بحدیث شیعه و منشاء آن خوابی است که يك نفر مکتب دارد در زمان سلطان حسین بایقربسر شاهرخ ابن امیر تیمور کورکان دیده و اجماع شیعه از ائمه خود که بربارت آن قبر شریف در نجف اشرف میآمدند محقق است و خلافتی نیست

زوجات آن حضرت

اول آنها مخدیره فاطمه زهرا بود که تاحیوة آنمخدیره انحصار بهمان داشت و حرام بود زوجه دیگر بر آنحضرت در حیوة آنمخدیره و پس از شهادت آنمخدیره دوم زوجه آنحضرت امامه دختر ابی العاص که مادرش زینب دختر رسول خدا بود سوم خوله دختر جعفر بن قیس مشهور بحنفیه که از اولاد بکر بن وائل از بزرگان عرب است چهارم ام البنین دختر خزام بن خالد بن ربیعہ از قبیلہ بنی کلاب پنجم اسماء بنت عمیس که اول زوجه جعفر بن ابی طالب بود ششم

لیلا دختر مسعود بن خالد ۷ ام السعید دختر عروہ بن مسعود الثقفی
۸ محیة دختر امرء القیس بن عدی الکلبیہ و ابن غیر امرء القیس
شاعر معروف عرب است ۹ صہبا دختر عباد بن ربیعہ ۱۰ ام حبیبہ
دختر ربیعہ و غیر از چهار زن آنها در حیوة آنحضرت وفات
کرده بودند امامه و لیلا و ام البنین و اسماء که بعد از آن حضرت حیوة
داشتند

اولاد طاهرین و امجاد آن حضرت

مطابق آنچه در ارشاد شیخ مفید است بیست و هشت اولاد
بوده دوازده پسر و شانزده دختر اول حضرت امام حسن مجتبی که
اکبر از همه بودند دوم حضرت امام حسین سوم حضرت محسن
که سقط شد چهارم حضرت زینب کبری پنجم حضرت ام کلثوم و
این پنج اولاد طاهرین از بطن فاطمه زهرا بودند ششم جناب محمد
حنفیہ از بطن خولہ ہفتم و ہشتم و نهم و دهم جناب عباس و جعفر
و عبدالله و عثمان از بطن ام البنین که هر چهار در کربلا شهید شدند
یازدهم یحیی از بطن اسماء دوازدهم سیزدهم محمد اصغر مکتبی
بابی بکر و عبیدالله از بطن لیلی بنت خالد چهاردهم و پانزدهم
عمر الاطرف و رقیہ که هر دو توأمین از بطن ام حبیبہ متولد شدند
شانزدهم و ہد هم ام الحسن و رملہ از بطن ام سعید ہجدهم
نفیسه نوزدهم زینب الصغری بیستم رقیہ الصغری بیست و یکم ام هانی
بیست و دوم امامه بیست و سوم فاطمه بیست و چهارم خدیجہ بیست و پنجم

میمونه بیست و ششم ام الکرامه بیست و هفتم همانه بیست و هشتم ام السله و این یازده مخدره از مادرهای متفرقه بودند و در وقت رحلت همه را جمع فرمود و توصیه از اطاعت نمودن آنها از حسن و حسین فرموده و غیر این عده نیز گفته اند

حواریون و اصحاب خاص آنحضرت

عمرو بن حنظل الخزاعی که اول از اصحاب پیغمبر (ص) بود و عاقبت بعد از شهادت حضرت امیر معاویه او را شهید کرد ۲ میثم تمار ابن یحیی از اعظام حواریون آنحضرت و از اصحاب سر بود و دارای علم بلایا و منایا و ملاقات او با حبیب بن مظاهر و رشید هجری و اخبار از پیش آمد و عاقبت حبیب و خودش در کتب معروف است ۳ محمد بن ابی بکر و مادر او اسماء بنت عمیس بود در سنه حجة الوداع متولد شد و از عشاق امیر المؤمنین بود و در مصر بدست لشکر معاویه کشته شد و بدن او را سوزانیدند و حضرت امیر در شهادت او نهایت محزون گردید و میفرمود او بمنزله اولاد من بود ۴ اویس بن انیس القرنی الیمنی و از حضرت رسول اخبار از او به نفس الرحمان و خیر التابعین فرموده در جنگ صفین در رکاب آنحضرت شهید شد و پیغمبر (ص) در باره او فرموده که بقدر قبیله مصر و ربیع شفاعت او پس داخل بهشت خواهند شد و یکی از زهاد ثمانیه است ۵ عمار یاسر که پیغمبر خبر از شهادت او داد و در جنگ صفین شهید شد ۶ مالک ابن حرث النخعی معروف بمالک اشتر که محبت و ارادتش با آنحضرت اظهر من الشمس است و دستور حضرت امیر بمالک اشتر در

امر حکومت یکی از بزرگترین دستوره‌های سیاست است که امروز در تمام دنیا در میان ملل بزرگ مورد اجرا و عمل است و مالک در کنار بحر قلزم در بین راه مصر شهید شد و بعد از شهادت او حضرت امیر فرموده مالک برای من چنان بوده که من برای پیغمبر بوده ام ۷ حجر بن عدی که از علمای بزرگ و شجاعان نامی بود حضرت امیر او را از کیفیت شهادتش خبر داده بود در سال پنجاه و سه هجری معاویه همانطور که حضرت امر پیش گوئی فرموده بود او را شهید نمود ۸ رشید هجری بضم هاء و حضرت امیر نیز شهادت او را خبر داد و ابن زیاد بهمان طوری که رشید از قول حضرت امیر مکرر خبر میداد او را بشهادت رسانید ۹ کمیل بن زیاد نخعی از کبار اصحاب آنحضرت بود و عاقبت بدست حجاج در سنه هشتاد و سه هجری شهید شد ۱۰ قنبر غلام آنحضرت بود و زنده بود تا زمان حجاج پس او را امر کرد ذبح نمودند و میلقت من بخون این غلام تقرب بخدا میجویم ۱۱ عدی بن حاتم طائی پسر حاتم طائی معروف و مانند پدرش با سخاوت بود در سال نهم هجرت اسلام اختیار کرد و بعد از سال شصت در کوفه رحلت کرد محاجه او در باره ولایت حضرت امیر با معاویه معروف است

حضرت امام الحسن المجتبی علیه السلام

اسم شریفش حسن و اشهر القاب او مجتبی و ذکی و کنیه شریفه اش ابو محمد است پدر بزرگوارش علی والده ماجده اش فاطمه زهرا عا هیما السلام

نولد جنابش اشهر روایات شب سه شنبه نیمه ماه مبارک سال سوم از هجرت شهادت آنحضرت و در روز پنجشنبه ۵ قتم ماه صفر بنا بر ایت شهید اول کتاب دروس و کفعمی و یاد روز ۲۸ ماه صفر و یا در آخر ماه صفر بنا بر روایت مجلسی و مناقب در سال پنجاه از هجرت سبب شهادت آنحضرت چون معاویه و اومه داشت که مبادا شروط معاهده را که معاویه عمل نکرده باز آنحضرت معاهده را لغو کند بتوسط اسما بنت اشعث آنحضرت را مسموم کرد و نام اسما جعده بود و مادر این جعده ام فروة خواهر ابوبکر خلیفه بود و آنحضرت در بقیع مدینه مدفون گردید مدت امامت آنحضرت نه سال و پنج ماه و نه روز تقریباً بوده

ازدواج آنحضرت

بسیاری از دختران خاندانهای عقیف فقیر را از راه ازدواج بآنها صاحب ثروت و آبرو مند میفرمود و باین وسیله چه بسیار خاندانهایی را که از فقر و پریشانی نجات بخشید و همه بعزت و شرافت محفوظ بودند و همه از روی اشتیاق این ازدواج هارا مایل بودند چنانچه در روایات است که در عقب سر جنازه آنحضرت تمام آن زنها پای برهنه تشیع جنازه میکردند و اگر اکراهی بود نباید چنین باشد بعلاوه چون بسیاری از جوانها و مردان در جنگها و فتوحات کشته شده بودند و عده زنان و دختران زیاده از حد شده بود نه فقط حضرت مجتبی بلکه دیگران هم کثرت ازدواج و تعدد اورا شعار کردند که نسلا منقطع نشود و از همین راه توانستند مقتولین جنگها را جبران نمایند

اولاد حضرت مجتبی

سادات گلستانه و طباطبائی که اکنون در تمام دنیا سلسله ایست بزرگ و شعب بسیار میباشند از اولاد آنحضرت میباشند اولاد اولی آنحضرت اکبر از همه اول زبداست و بسیار در میان بنی هاشم با عظمت بود و صدسال عمر کرد حسن بن الحسن که حضرت مجتبی از شدت علاقه با واسم خود در ابرو نهان سوم عمر بن الحسن چهارم قاسم بن الحسن پنجم عبدالله ابن الحسن که هر سه در کربلا شهید شدند ششم عبدالرحمن بن الحسن هفتم حسین بن الحسن هشتم طلحة بن الحسن و اما دختران آنحضرت ام الحسن و ام الحسین سوم فاطمه چهارم ام عبدالله پنجم ام السله ششم رقیه میباشند و ام عبدالله زوجه حضرت سجاد مادر امام محمد باقر بود

اصحاب خاص و یاران آنحضرت

سفیان بن ابی لیلا همدانی و حذیفه بن اسیر که از جمله صحابه پیغمبر نیز بوده است این دو نفر از اصحاب خاص بوده اند و قیس بن ورقاء و رشید هجری و میثم تمار نیز از اصحاب سر بودند و عبد الله بن جوه طیار و مسلم بن عقیل و عبدالله بن عباس و جنانه بن جعفر الوالیه و جارود بن منذر و عمرو بن القیس و ابی صالح کیان کلیب و ابو مخنف لوط بن یحیی الازدی از نواب آنحضرت بشمار میرفتند و از اصحاب امیرالمؤمنین چون اصبع بن نباته و سلیم بن قیس و حیب بن مظاهر و کمیل و غیرهم بسیار بودند

الامام الثالث ابی عبدالله حسین الشهدی

اسم شریف آنحضرت حسین است و اشهر القاب سیدالشهداء و اشهر کنای آن بزرگوار ابی عبدالله است و الدمه ماجده ایشان علیا حضرت فاطمه زهرا و پدر بزرگوار علی مرتضی امیر المؤمنین علیهم السلام و در بنی هاشم کسی بشرافت آنحضرت نمیرسد زیرا که علاوه بر شرافت نسبی که بابرادر خود شرکت دارد ائمه طاهرین از اولاد آنجناب میباشند

ولادت آنحضرت

در سوم ماه شعبان در مدینه طیبه سال چهارم از هجرت روز پنجشنبه متولد شد بنا بر مختار بسیاری از محدثین و اقوال دیگر در پنجم شعبان و آخر ربیع الاول هست واقوای اول است

شهادت آنحضرت

در روز جمعه دهم محرم الحرام سال شصت و یکم هجرت تقریباً سه ساعت بغروب مانده آنحضرت شهید شد و این موافق است با روایت مصباح المتعجبین که عبدالله بن سنان از حضرت صادق روایت نموده است و آن روز مطابق بود با بیست و یکم مهر ماه فارسی و برج میزان شمسی عربی بنا بر استخراجی که منجمین زمان فتعلمی شاه از رنج محمد شاه هندی نموده اند و از قرائن نیز معلوم میشود که شهادت آنحضرت رو بطرف عصر اصبح است زیرا که جمعی از محققین اهل تاریخ و سیر و ارباب مقاتل نوشته اند که نماز ظهر و عصر آنحضرت بطرز نماز خوف که در اسلام در جنگ مقرر است بجای آورده اند چنانچه در تذکره سبط ابن جوزی است مدت امامت آنحضرت

بازده سال و شش ماه بیست و هفت روز بوده

قائل آنحضرت

ارباب تاریخ اختلاف کرده اند که قائل آنحضرت شمر بن ذی الجوشن بوده یا خولی اصبحی یا سنان بن انس و هر طایفه یکی ازین سه ملعون را نوشته اند ولی آنچه بنظر از روی دقت میرسد هر سه شریک بوده اند در جدا کردن سر مطهر آن حضرت و در قانون جنگی عرب بوده که هر کس بزخم کاری شجاعی را از پا در آورد همان باید سر او را از بدن جدا کند که جایزه از امیر خود بگیرد و این سه ولدالزنا هر سه نفر زخم کاری بآنحضرت زدند و هر سه شرکت کردند در جدا کردن آنسر مطهر و برای بردن بسوی ابن زیاد هم عمر سعد قرار داد کرد که سه قسمت شود يك قسمت خولی که سر مطهر را بکوفه برد قسمت دوم سنان که در کوفه بالای نیزه کرد قسمت سوم شمر که از کوفه از ابن زیاد گرفت و بشام برد که هر يك به جایزه و فخریه خود نائل کردند و در حین شهادت از سن شریف آنحضرت گذشته بود پنجاه و شش سال و پنج ماه و هفت روز بر حسب حساب بنس مورخین و در کربلا پس از سه روز و دو شب در نیمه شب مدفون گردید

عدد اصحاب و مقتولین آنحضرت

از روی تحقیق نمیتوان بدست آورد که عده شهداء که با آنحضرت شهید شدند چند نفر بودند مشهور میان السنه هفتاد و دو

نفر است كه هجده نفر آنان از بنى هاشم بوده اند ولى اين بنده تا يكصد و هفتاد و دو نفر ديده و اسامى ايشانرا بسا حسب و نسب ايشان در جاى خود مرقوم داشته ام و بعضى سيصد و هفتاد و دو نفر و بعضى هم چهل و پنج نفر و بعضى هشتاد و دو نفر و بعضى يكصد و هشتاد و دو نفر هم نوشته اند و همان طور كه اختلاف در عددشدهاء كربلا هست اختلاف زياد در عدد لشكر بكة در كربلا آمده ميشود از پنج هزار تا هشت صد هزار نوشته شده است و ممكن است همه درست باشد پنج هزار لشكر كوفه و عمر سعد باشد و لشكرهاى ديگرى از جاهائى ديگر آوردند و از قبائل عرب نيز هر يك لشكرى كمك كرد و بعلاوه در اطراف روحيه مردم را بدين امر متوجه كردند كه پسر پيغمبر را صورت خارجى در آوردند و از اين جهت عموم مردم مانند سيلاب از روى عقيدة براى دفع او حرکت كردند در اين صورت نمى توان حقيقت دست آورد كه عده اشخاص كه در كربلا آمدند چه قدر بوده اند ولى مسلم سي هزار بوده از لشكريان كوفه و اين مضمون رواياتى است كه از حضرت صادق و حضرت باقر رسيده است امير لشكر عمر بن سعد بوده و از صاحبان رمابه شمر بن ذى الجوشن و خولى اصبحى و سنان بن انس و محمد بن اشعث بن قيس و شيبه بن ربعى و حرملة بن كاهل اسدى كه هر يك از هزار تا چهار هزار در تحت فرمان داشتند

داستان عطش

بطور محقق آب را در روز هفتم بر اصحاب حسين بستند

ولى چنانچه از مضامين بعضى از وقايع معلوم ميشود تا شب عاشورا آب بوده و عده هم غسل كردند و بطور محقق روز عاشورا آب نبوده و همان حرکت هاى عفيف براى جنگ و كثرت جراحت و هواى گرم سوزان براى منتهى عطش كافى است و آوردن طفل شش ماهه براى اتمام حجت بود زيرا مكرر ميشد در جنگ ها آب بروى هم مى بستند ولى وقتى طرفى كه ممنوع از آب شده بود شير خواره روى دست ميگرفت آب را رها ميكردند ولى آن قوم تمام قوانين مرسوميه خود را شكستند و شير خواره را تير بر گلو زدند

زوجات آن حضرت

شاه زنان دختر بزد جرد آخر سلاطين ايران از ساسانيان كه حضرت سجاد از بطن اوست و پس از يكسال از وضع حمل حضرت سجاد وفات يافت و پس از آن شهر بانو كه خواهر شاه زنان بود و در حبالة محمد بن ابى بكر بوده پس از شهادت محمد بن ابى بكر بيكسال با شهر بانو آنحضرت ازدواج فرمود و ديگر ليلا دختر مرثه بن عروة بن مسعود ثقفى و ديگر رباب دختر امرء القيس بن عدى الكلبيه و ديگر ام اسحق بنت طلحة بن عبد الله است و ديگر مخدره قضاعيه كه در زمان حيوه آنحضرت فرزندی آورد جعفر نام و وفات كرد و آن مخدره نيز وفات يافت و در كربلا فقط شهر بانو و رباب بودند و در خصوص ليلا بودنش در كربلا اختلاف است

اولاد آنحضرت

بسیاری از علمای بزرگ شش اولاد نوشته اند چهار پسر و دو دختر اول علی بن الحسین که اکبر از همه بود ملقب به حضرت سجاد دوم علی بن الحسین الاصغر مشهور با کبر که کنیه او ابو الحسن بود در کربلا شهید شد و جعفر بن الحسین که در زمان حیوة وفات یافته است و عبدالله بن الحسین که در کربلا سه ساله شهید شد و دو دختر یکی سکینه خاتون و دیگری فاطمه ولی اقوی واضح این است که سه پسر در کربلا شهید شد علی اوسط معروف بعلی اکبر و عبدالله و علی اصغر شیر خواره و سه دختر یکی سکینه و دیگری فاطمه و دیگری رقیه که در شام وفات یافت و ائمه طاهرین و نسل آنحضرت از علی سجاد فرزند شاه زنان است و مادر علی اکبر لیلا و مادر فاطمه ام اسحاق و مادر سکینه و عبدالله و علی اصغر رباب دختر امرء القیس غیر از شاعر معروف است و در بعض تواریخ و کتب معتبره يك محسن برای آنحضرت نوشته اند که در بین راه در کوه جوشن نزدیک شهر حلب سقط شد و مزار او مشهور و زائرین بسیار دارد و نویسنده در سال ۱۳۵۱ قمری آنجا زیارت کرده و در افواه است که علی اکبر شهید در کربلا هجده ساله بود و این محقق نیست بلکه بنا بر بعضی روایات و تواریخ بیست و پنج الی سی و سه نوشته شده

عده اسیران بعد از شهادت آنحضرت

در عدد اسرا اختلاف است هشتاد نفر نوشته اند و بیست و يك نفر و نه نفر و دوازده نفر مرد کور هم نوشته اند که در میان

اسرا بوده اند که حضرت سجاد و حضرت باقر (ع) در میان ایشان بوده اند با بعضی از اولاد حضرت مجتبی و اسباط آنحضرت

اصحاب و حواریون آنحضرت از بنی هاشم

از اولاد حضرت امیر پنج نفر جناب عباس قمر بنی هاشم و عبد الله و جعفر و عثمان و بعضی عمر الاکبر هم نوشته اند از اولاد حضرت مجتبی سه نفر عبدالله و قاسم و ابوبکر از اولاد خود آنحضرت سه نفر علی اکبر عبدالله و علی اصغر از اولاد عقیل دو نفر جعفر و عبدالرحمان از اولاد جناب مسلم دو نفر عبدالله و محمد مکنی بابی عبدالله و بعضی غیر از شخص آنحضرت از بنی هاشم هجده نوشته اند ولی آنچه مرقوم افتاد قریب بواقع است و در میان ایشان هیچ يك بدرجه علی اکبر و بعد قمر بنی هاشم ابوالفضل نبوده است بمقاد روایات و فرمایشات حضرت سیدالشهدا و ابی الفضل دو پسر در مدینه داشتند که از آنها نسل باقی ماند و بزرگان از علما و بلغا از آنها پدید آمده

حواریون و خواص یاران و اصحاب آنحضرت

از غیر بنی هاشم

حیب بن مظاهر الاسدی که از صحابه رسول الله میباشد که در جلالت قدر اشهر از آن است که ذکر شود در کربلا بیش از هشتاد سال داشت جابر بن عمرو الغضاری نیز از اصحاب رسول الله در اغلب غزوات با آنحضرت بوده در کربلا شهید شد عبد الرحمن بن

عبدالرب الانصاری از اعاظم اصحاب رسول و علمی مرتضی بوده و کربلا شهید شد مالک بن انس کاهلی و مسلم بن عوسجه الاسدی و بریر بن حصین الهدائی و نافع القین بن هلال الجملی و ابی نمانه الضیدای و عباس بن شعیب الشاکری و بوزب بن عبدالله همدانی و زهیر بن القنی البجلی و محمد بن بشر الحصرمی و سعد بن عبدالله الحنفی و جمعی دیگر که نظیرشان در روزگار نخواهد دید

شهداء بعد از شهادت آنحضرت

هفدهاف بن مسند از بزرگان اصحاب حضرت امیر باسیصدتن سوار بیاری آنحضرت از بصره بکربلا آمد در حین غارت خیام رسید و در حمایت عیال از آنحضرت تمام شهید شدند

سرهای مطهر

عقیده شیعه این است که سرهای مطهره را حضرت سجاد کربلا آورد به بدنهای ملحق کرد و بعضی عقیده دارند سر مطهر حضرت سیدالشهدا را بیزید بمدینه فرستاد برای مردم مدینه بتوسط عمرو بن صبیح و حاکم مدینه سعید بن العاص در بقیع دفن کرد و بعضی در شام و بعضی در نجف و بعضی در مصر و بعضی بین نجف و کوفه در مسجد مائل یا حنانه ذک کرده اند چنانچه در کتاب حبیج جواهر است امام چهارم سید السجاد کنیه آنحضرت ابو محمد و ابو الحسن لقب آن حضرت نام شریفش عالی امام چهارم سید السجاد در انظار و زبانهای شیعه آنحضرت معروفند به امام زین العابدین بیمار و این از جهت بی معرفتی آنها

است و یکی بجهت آنکه روضه خوانهای بی سواد این کلمه را ورد زبان خود کرده اند و بیشتر عوام از زبان آنها تقلید مینمایند و حال آنکه آنحضرت بواسطه مصاحبت الهی در قضیه کربلا بیمار شد که تکلیف جهاد از آنحضرت بر داشته شود و منصرف کرد خداوند دشمنانرا از شهید کردن آنحضرت و این یکی از غرائب و عارقات عادت است زیرا قومی که شیر خواره را کشتند چگونه متحمل آنهمه معطلی و زجر شدند برای سواری و پیادگی و نگاه داشتن بیماری بالای شتر و چند مرتبه در صدد بر آمدند که آنحضرت را بقتل برسانند و خداوند آنها را بوسائلی منصرف فرمود تا آنکه هشت امام دیگر که وعده الهی بود از صلب آنحضرت بوجود آید و بعد از اسیری آن حضرت در عین زهد و ورع و گوشه گیری فرمود و حال آنکه یکی از شجاعان عصر خود بود و در سیاست چنان بود که بهمان گوشه نشینی ریشه بنی امیه را کند هر سال پانصد الی هزار غلام میخریدند و تربیت میکردند و آزاد میکردند و آنها را بپایان رسانیدند و به محبت آل پیغمبر (س) و بغض بنی امیه تبلیغات میکردند و صورت ظاهر هم دولت وقت نمی توانست جلو گیری ازین عمل بنماید زیرا که جز معابدت بود بنده شربیدن و آزاد کردن

تولد آنحضرت

در روز و ماه و سال تولد آنحضرت اختلاف است بسیاری از بزرگان پنجم شعبان و بسیاری یکشنبه نیمه جمادی اولی در سنه سی و شش هجری و بعضی سی و هشت نوشته اند و پیغمبر در باره

او خبر داد الرابع منهم اسمه على المدعو بالسجاء ویرم القيمة ینادی
بزين العابدين

شهادت آنحضرت

اصح روایات روز شنبه بیست و پنجم ماه محرم الحرام بود
و قولی چهار و بعضی پنج نوشته اند

سبب شهادت آنحضرت

چنانچه عامه و خاصه روایت نموده اند که پیغمبر خبر داده
که اوصیاء او یا مقتول بسیف میباشند و یا مسموم بسم در
سال چهل و هشت از عمر آنحضرت بمصداق این خبر بزهر
شهید شد

بدسیسه ولید بن عبدالملک بن مروان بن حکم مسموم کردند و دردار
تولد خود که مدینه است در بقیع پهلوی عم خود حضرت مجتبی
در بقعه جناب عباس بن عبدالمطلب مدفون گردید و او اول هاشمی
است که شیز کسری عجم خورده و این یکی از مفاخر سادات حسینی
است در ایران که نسب ایشان از مادر بکسری منتهی میشود و لذا
علاقه این سلسله بکشور ایران و ایرانیها زیاد است (مدت امامت)
آنحضرت سی و چهار سال و شانزده روز بود

زوجات آنحضرت

یک زوجه نکاحی که فاطمه دختر حضرت مجتبی است بیشتر
داشته اند و از امام و سراری متعدد بوده اند

اولاد آنحضرت

بنا بروایت ارشاد و بسیاری از مورخین یازده پسر و چهار
دختر بوده اند

حضرت امام محمد باقر (ع) دوم عبدالله الباهر سوم حسن
چهارم حسین الاکبر پنجم زید بن علی که زبیده منسوب باوم میباشند
و در ایمن تقریباً مذهب رسمی است ششم عمر الاشرف هفتم الحسین
الاصغر هشتم عبدالرحمن نهم سلیمان دهم محمد الاصغر یازدهم
علی که اصغر از همه بوده است و اما دختران اول خدیجه دوم
فاطمه سوم علییه چهارم ام کلثوم و از هفت نفر اولاد ذکر از
حضرت باقر با حسین الاصغر نسل آنحضرت باقی ماند و اکنون در دنیا
بیش از ملیون میباشند

اصحاب خاص آنحضرت

ابو خالد کابلی و یحیی بن ام الطویل و سعید بن جبیر و جابر
جعفی و سلیمان بن یسار و خارجه بن زید بن ثابت و سعید بن مسیب

الامام الخامس محمد الباقر

پیغمبر در باره او خبر داد الخامس منهم اسمه اسمی المدعو
بالباقر لتبقره فی العلم نام شریفش محمد لقبش باقر کنیه اش ابو جعفر
در مدینه طیبه روز دو شنبه ۳ ماه صفر در سال پنجاه و هفت هجری
متولد گردیده و جابر بن عبدالله که از اصحاب رسول بود خدمت
سجاد رسید و عرض کرد پیغمبر بمن فرمود وصی پنجم مرا درک

میکنی و به او سلام برسان پس جابر سلام پیغمبر را بانحضرت رسانید
 و در آنوقت خلافت معویه بود مادر آنحضرت ام عبدالله فاطمه دختر
 امام حسن و بعد از پنجاه و هفت سال زندگانی دو شنبه هفتم ماه
 ذیحجه در سال صد و سیزده هجری در مدینه طیبه با مر هشام
 بن عبدالملک مسموم گردید و در بقیع در پهلوی قبر پسران مدفون
 گردید و اول کسی است از ائمه که فروع احکام را برای اسلامیان
 بیان فرمود
 مدت امامت آنحضرت نوزده سال و ده ماه و دو اوزه
 روز بود

زوجات و اولاد حضرت باقر

دو زوجه داشتند یکی ام فروه دختر قاسم بن محمد بن ابی
 بکر والده ماجده حضرت صادق (ع) و دیگری ام حکیم دختر اسعد
 بن مغیره النصفیه مادر بقیه اولادهای آنحضرت و آنحضرت پنج
 پسر و دو دختر داشت

اول امام جعفر صادق علیه السلام دوم عبدالله سوم ابراهیم
 چهارم عیید الله پنجم علی که پسرش احمد در اصفهان مزار معروف
 دارد و دختران یکی زینب و دیگری ام سلمه و این عده اصح
 روایات است

اصحاب آنحضرت

اصحاب و حواریون آنحضرت بسیار بودند ولی بزرگان
 و خواص آنها است عبدالله بن شریک عامری و ذر ازه بن اعین

بریدین معاویه العجلی و محمد بن مسلم الثقفی ولیث بن البختری
 المرادی معروف بابی بصیر و عبدالله بن ابی یغفور و عامر بن
 عبدالله بن خذاعه و حجر بن زائده و حمران بن اعین و غیر ایشان

الامام جعفر بن محمد الصادق

پیغمبر در شأن او خبر داد السادس منهم اذا ولد فسموه
 بالصادق لانه یولد من ولده جعفر فهو کاذب اورا صادق بخوانید
 چون از نسل او جعفر نامی (جعفر کذاب) پیدا خواهد شد که
 دعوی امامت کند و او کاذب است نام شریفش جعفر اشهر القابش
 صادق کنیه اش ابو عبدالله در مدینه طیبه روز دو شنبه هفدهم
 ربیع الاول سال هشتاد و سه هجری در زمان ولید بن عبدالملک
 متولد شد مادر آنجناب ام فروه دختر قاسم بن محمد بن ابی بکر
 دو زوجه داشت و مدت زمان زندگانی آنحضرت باصح روایات
 شصت و پنج سال و در مدت عمر خویش بیان فرمود کلیه احکام
 فروع را و از شرق و غرب عالم شاگردان در هر علم بگردش
 جمع شدند حتی آنکه جابربن حنانه تمام مورخین فرنگی
 مینویسند علوم شیمیائی دنیای کنونی رهین منت اوست زیرا که جابر
 هزار کتاب در علوم غریبه و کیمیای و شیمیائی نوشته که سر منشأ شیمی
 کنونی است این جابر یکی از شاگردان حضرت صادق علیه السلام
 بوده است چهار هزار دانش جواز اطراف جهان در مدینه برای استفاده
 از علوم صادق (ع) حاضر شده بودند از جمله آنها ابو حنیفه امام حنفی هاست

شهادت آن حضرت

باصح روایات دو شنبه ۱۵ رجب سال یکصد و چهل و هشت هجری در مدینه طیبه پس از مدت شصت و پنج سال زندگانی بزهر منصور دوانقی شهید شد و در بقیع بهلوی بدران خود مدفون گردید (مدت امامت آنحضرت) سی و سه سال و ده ماه و هجده روز بود

اولاد آنحضرت

ده نفر اولاد داشتند هفت پسر و سه دختر اول اسمعیل که اکبر همه بودند و در زمان آنحضرت وفات یافت و اسماعیلیه بدو پیوسته میشوند دوم عبدالله افتاح سوم حضرت امام موسی بن جعفر (ع) چهارم اسحاق پنجم محمد ششم عباس هفتم علی و اما دختران فاطمه و اسماء و ام فروه و درب امام اصفهان مدفن زین العابدین بن علی بن احمد بن عیسی بن محمد بن علی الهریزی بن جعفر الصادق از اولاد حضرت صادق میباشد

اصحاب آنحضرت

اغلب از خواری و اصحاب آنحضرت همان اصحاب پدر بزرگوارش بودند ولی این عده نیز اضافه بوده اند محمد بن سنان جمیل بن دراج و عبدالله بن مسکان و عبدالله بن بکیر و حماد بن عیسی و حماد بن عثمان و ابان بن عثمان و جمیع دیگرند و ایرانی هابسر کردگی ابو مسلم خراسانی بعد از ریشه کردن شجره خبیثه بنی امیه خواستند آنحضرت را خلیفه اسلام کنند زیر بار نرفتند

و بنی العباس بچنگ آوردند

الامام موسی بن جعفر ع

پیغمبر در باره او فرمود السابع منهم اسمه اسم بن عمر ابن المدعی بالکاظم یقتل باسم هفتمی از ائمه نامش نام پسر عمران موسی و لقبش کاظم گشته میشود بزهر نام شریفش موسی أشهر القاب کاظم کنیه اش ابو ابراهیم در میان مکه و مدینه یکشنبه هفتم ماه صفر سال یکصد و بیست و هشت هجری متولد شدند در زمان خلافت ابراهیم بن ولید مادر آنحضرت حمیده و دارای کنیز و سراری بسیار بودند

شهادت آنحضرت

پس از پنجاه و پنج سال هرون او را بعد از مدتی حبس شهید نمود در روز جمعه ششم ماه رجب سال یکصد و هشتاد و سه هجری در بغداد مدفون گردید که اکنون معروف است به کاظمین (مدت امامت آنحضرت) سی و چهار سال و نه ماه بود

اولاد آنحضرت

اولاد آنحضرت ذکورا و اناناسی و هفت بودند هجده پسر و نوزده دختر اما پسران اول حضرت امام هشتم علی بن موسی الرضا دوم ابراهیم مجاب که در رواق حضرت حسین بنی در کربلا مدفون است سوم عباس چهارم قاسم پنجم اسمعیل ششم جعفر هفتم هرون هشتم حسن نهم احمد دهم محمد یازدهم حمزه و یازدهم عبدالله سیزدهم اسحاق چهاردهم عبدالله پانزدهم

زید شانزدهم محسن هجدهم فضل هجدهم سلیمان ۱۹ ابراهیم اصغر
و اما دختران آنحضرت فاطمه الکبری و فاطمه صغری و رقیه
و حکیمه و ام ایها و رقیه الصغری و کلثوم و ام جعفر و لبابه
و زینب و خدیجه و علیه و آمنه و حسنه و رمله و عایشه و ام سلمه
و میمونه و ام کلثوم و زینب صغری بوده و مادر های همه اولاد های
آنحضرت همه ام ولد بوده اند احمد بن موسی در شیراز مدفون
است و هرون بن موسی بنا بر امارات و قرائنی همان است که در
اصفهان است و زینب نیز بنا بر آنچه ابن بنده در کتاب نور الانور
نوشته در ارض نان اصفهان است و حمزه در جنب حضرت عبدالعظیم
است و نسب نویسنده این کتاب بحمزه بن موسی منتهی بسی وسه
واسطه میرسد و در اغلب بلاد اسلامی امامزاده هارا نسبت بموسی بن
جعفر میدهند و اغلبی مع الواسطه به دروسه و چهار و پنج واسطه
میباشند و در قم فاطمه بنت موسی بن جعفر است که مزارش
مشهور است و ابراهیم اصغر که در بلوک برخوار اصفهان معروف
بامامزاده نر می است

اصحاب موسی بن جعفر

محمد بن مفضل از اصحاب سر آنحضرت و باب او بوده و
سعید اسماعیل حمیری شاعر مباح بود و علی بن یقطین از خواص
اصحاب آنحضرت بود و محمد بن المفضل پسر مفضل بن عمر است
که از اصحاب حضرت صادق در باره او رساله های بسیاری نوشته
اند و حق این است که مفضل از بزرگان صحابه حضرت صادق بوده

و دیگر محمد بن ابی عمر و علی بن السوید السائی و صفوان بن مهران
الامام الثامن علی بن موسی الرضا

پیغمبر در باره او فرموده ستدفن بضعه منی بارض یقال
لها خراسان یتقل بالسم الامن زار قبره الشریف بین جبلی طوس
کتب الله له احرامه الف حجه مقبوله باره از تن من در سر زمین
خراسان دفن میشود و کشته میشود بزهر و هر کس قبر او را زیارت
نماید خداوند ثواب صد هزار حج باو عنایت میفرماید نام شریفش
علی لقبش رضا کنیه اش ابو الحسن الثانی والد ماجدش حضرت
موسی بن جعفر والد ماجده اش نجمه

تولد آنجناب

روز پنجشنبه یازدهم ماه ذی قعدة الحرام و بعضی ذیحجه الحرام
نوشته اند در سال یکصد و چهل و هشت هجری سال وفات حضرت
صادق (ع) در مدینه طیبه قدم بدار دنیا نهاده در زمان خلافت
منصور

شهات و رحلت آن حضرت

بنا بر اصح روایات روز جمعه آ ر ماه صفر سال دوست و دو
از هجرت در سن پنجاه سالگی در طوس مسموم گردید و در سناباد
که الان مدفن شریف آنحضرت است مدفون گشت (مدت امامت
آنحضرت) نوزده سال و هفت ماه و پنج روز بود

سبب شهات

مأمون الرشید چون دید تمام ایرانیان میل بجانب حضرت رضا دارند و نزدیک است که همان کاری که بسا بنی امیه کردند بسا خلافت بنی العباس نمایند ازین جهت از بغداد حرکت کرد و بمرو قلب ایران انروز آمد و حضرت رضا را بمرو آورد روز ششم رمضان سنه بیست و یک هجری ولایت عهد را بآنحضرت تفویض کرد و مردمان مطمئن شدند که دیگر خلافت از بنی العباس به آل علی منتقل شد ولی مأمون پس از آنکه این سیاست بکار برد آنحضرت را مسموم کرد و چنان بمردم فهمانید که خداوند نخواست که او بخلافت برسد و او بمرك طبیعی از دنیا رفت چنانچه جمعی را برای معاینه جسد مطهر آنحضرت بردو گواهینامه نوشتند که بمرك طبیعی از دنیا رفته

زوجات و اولاد آنحضرت

زوجه آنحضرت منحصر بیسکی بود نامش حبیبه دختر مأمون و اما اولاد آنحضرت پسر منحصر بود بحضرت جواد الائمه و از بعض روایات بر می آید که دختری داشته اند فاطمه نام (کما فی البحار)

اصحاب و باب آن حضرت

باب آنحضرت محمد بن راشد بود و از اصحاب او احمد بن محمد و محمد بن فضل و عبدالله بن جندب و اسمعیل بن سعد اشعری و حماد بن عثمان و سعد بن سعد و محمد بن سنان بودند

الامام التاسع محمد بن علی الجواد

در حدیث نقل است از حضرت رسول (ص) که فرموده التاسع

منهم اصغر هم سنا یعنی نهمی از اوصیاء من سال او از همه ائمه کمتر است و جواد لقبی است که از حضرت رسول (ص) از برای او رسیده نام شریفش محمد اشهر القابش جواد کنیه اش ابو جعفر در مدینه طیبه در جمعه دهم ماه رجب سال یکصد و نود و پنج متولد گردیده بنا بر اصح و اشهر روایات در زمان خلافت مأمون پدر بزرگوارش حضرت رضا (ع) مادر ماجده اش خیزران مدت زندگانی بیست و پنج سال و دارای یکزوجه غیر از سراری و کنیزان و آن زوجه ام الفضل دختر مأمون الرشید بود (مدت امامت آنحضرت) هفده سال و نه ماه بود

شهادت آنحضرت

معتصم عباسی آنحضرت را زهر داد و در سه شنبه دهم رجب سال دو بیست و هشت هجری شهید گردید و در بغداد در پهلوی مرقد مطهر جدش موسی بن جعفر مدفون گردید

اولاد آن حضرت

عدد اولاد آنحضرت چهار نفر است اول حضرت امام هادی امام دهم و جناب موسی المبرقع که در قم مدفون است و فاطمه و امامه و حکیمه لقب فاطمه است که روایات تولد حضرت حجة از حضرت عسکری از اوست و قبر مطهر آنه بخدره در سامره در ضریح برادر و برادر زاده ابی امام هادی و عسکری میباشد و موسی مبرقع برای آن مبرقع خوانده شده که از شدت نیکوئی

منظر بود برقع بصورت می افکند و سادات رضوی از نسل او میباشند و در شب چهارشنبه هشتم ماه ربیع الاخر سال دویست نود هجری وفات یافت و مزارش در قم معروف است

اصحاب حضرت جواد

باب آنحضرت عثمان بن سعید اغلب اصحابش اصحاب پدر بزرگوارش بودند

الامام الهادی علی بن محمد ع

پیشمر (ص) در باره آنجناب فرموده العاشر منهم اسمه اسم اخي علي المدعو بالثقي الهادي نام شریفش علی و خواننده شده در نزد پروردگار به نقی و هادی ازین جهت اشهر القصاب آنحضرت نقی است و کنیه اش ابوالحسن ثالث والد بزرگوارش حضرت امام محمد تقی والده ماجده اش ثمانه یا سمانه

تولد آنجناب

بنابر احوال جمعه دوم ماه رجب دویست و سیزده هجری در مدینه طیبه و در کافیه سه شنبه نیمه ذیحجه سال دویست دوازده مرقوم داشته است

رحلت آنجناب

دو شنبه سوم رجب سال دویست و پنجاه و چهار هجری معتمد عباسی آنجنابرا زهر داد و در خانه خود در سامره مدفون گردید مدت زندگانی آنحضرت چهل و یک سال بود (و مدت امامت آنحضرت) سی و سه سال و هفت ماه و سه روز بود

زوجات و اولاد آنحضرت

یک ام ولد بوده و از او پنج اولاد داشتند چهار پسر و یک دختر اول حضرت امام حسن عسکری دوم جناب حسین سوم ابو جعفر سید محمد که مزار شریفش در هفت فرسخی سر من رای (سامره) در نزدیکی قصبه بلد معروف است چهارم جعفر کذاب که بیغمبر (ص) از او خبر داده بود در اخبار از امام حضرت صادق جعفر بن محمد به از نسل جعفر صادق جعفر کاذب خواهد پیدا شد و آنچه را که غیر از ادعای امامت نسبت با او میدهند اصلی ندارد تقریباً نظیر او با حضرت عسکری چون برادران یوسف با یوسف بوده است

باب آنحضرت

سعید بن عثمان باب آنحضرت بوده

الامام الحادی عشر الحسن العسکری

پیشمر خدا از او خبر داده در حدیث معراج که الحادی عشر منهم اسمه اس ولد الحسن المدعو بالعسکری یازدهمی از ائمه هم نام فرزندان حسن و خواننده شده است بعسکری نام شریفش حسن اشهر القابش عسکری و معروف بودند بابن الرضا چون پدر بزرگوارش حضرت هادی که او نیز معروف بوده بابن الرضا و کنیه آنحضرت ابو محمد است و در عرب اطلاق کنیه بر اسم شایع است چنانچه اطلاق ولد بر سبط نیز شایع است و هم چنین

اطلاق اب بر عم (تولد آنحضرت در مدینه طیبه از صلب حضرت هادی و از بطن سوسن یا سنبل که نام ام ولد زوجه حضرت هادی است متولد گردید در روز دو شنبه چهارم ربیع الثانی در سال دویست و سی و دو از هجرت بنا بر اشهر روایات در زمان خلافت معتصم بن الموفق

شهادت و مدت عمر آنحضرت

در جمعه هشتم ماه ربیع الاول سال دویست و شصت هجری معتصم عباسی آنحضرت را زهر داد و در سامرا در جنب مرقد مطهر پدر بزرگوارش مدفون گردید و مدت عمر آنحضرت بیست و هشت سال بود مدت امامت آنحضرت پنج سال هشت ماه و پنج روز بود

زوجات و اولاد آنحضرت

دارای یک ام ولد بوده و یک پسر و دو دختر که در زمان حیوة آن دو دختر وفات یافتند و اما آن پسر نیز دایماً او را مخفی میداشتند زیرا بنی العباس تصمیم گرفته بودند که سلسله خاندان علی را که هر یک بعد از دیگری امام است و مردم دور او جمع میشوند قطع نسل کنند که دیگر بعد از حضرت عسکری اولادی نباشد که مردم با او بیعت کنند و از برای خلافت خطر باشد

اصحاب و باب آنحضرت

عثمان بن سعید باب آنحضرت بود و محمد بن الحسن الصغار

صاحب کتاب بصائر الدرجات و داود بن حسن ابن اسحاق بن عبدالله و احمد بن اسحاق قنی و کیل آنحضرت بوده در قم

الامام الثاني عشر حجة بن الحسن (ع)

در سیصد و شصت و چهار خبر که سنی و شیعی روایت از پیغمبر نموده اند خبر از وجود او و غیبت و حالات او از پیغمبر خدا رسیده است و مردم تصور می کنند که اعتقاد شیعه بوجود مقدس او از قول حلیمه خواتون یا دو سه نفر از اصحاب آنحضرت است این بنده در کتاب برهان الشیعه تا پنجاه کتاب از علمای اهل سنت یاد داشت نموده که اخبار وارده از طرف پیغمبر را در آن کتابها راجع بوجود او و تصریح بر اینکه امام دوازدهم فرزند بلا فیل حضرت عسکری است با وصف زمان غیبت و قضایای واقعه در زمان غیبت (در اخبار پیغمبر از کسانی که در امامت او شک و شبهه میکنند و کسانی که مدعی مهدویت و امام هائب میباشند و کسانی که در زمان غیبت ادعای ظهور او را بانسخ احکام اسلام مینمایند تمامی را از حضرت رسول ضبط نموده اند و از جمله آن اخبار است که میفرمایند الثاني عشر منهم ابن ایه الحسن العسکری له غیبة تضل فیها الامم یرتد فیها قوم و یبقی آخرون دوازدهمی از ائمه پسر پدرش حضرت حسن عسکری او را غیبتی است طولانی که در زمان غیبت او امم جهان گمراه میشوند و گروهی از معتقدین بوجود او منکر میشوند

و گروهی بآن عقیده باقی میمانند و از حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام تا حضرت عسکری هر يك فرمایشاتی در اخبار بوجود او هست بقدری که از آفتاب روشن تر است و داستان وجود او یکی از رموز و اسرار الهی است و از مجالی قدرت حق و هر بشری نخواهد رموز عالم خلقت و اسرار الهی را با مغز کوچک خود بسنجد که اگر موافق مغز او نشد انکار نماید این قضیه یا جنون است یا حماقت اینکه گفته شده هر چیز را با عقل بسنجید اگر موافق است قبول کنید و الا فلا در احکام فرعیه است و در اصل اصول دین نه در کلیه رموز عالم خلقت و الا اگر این طور بوده که هر چیز را باید با عقل قبول کرد و الا نباید مجال شمرد باید هیچ اختراعی در عالم وجود پیدا نکند زیرا بشر اولاً اگر فکر کند که ممکن است انسان با بال آهن در چهار روز دوره کره زمین را طی کند هیچ عقلی باور نمی کند ولی عقل مخترع او وقتی این فکر در مغزش رسوخ کرد مجال ندانست و دیگران هم که مجال میدانستند و مسخره میکردند دیدند که واقع شد پس رموز الهیه و داستان آفرینش و اسرار الهی میزان وجود و عدمش نقل بشری نیست و هر کس بفهمد این جمله کفایت است و هر کس نفهمد پس از این سخن اگر نفهمید هیچ سخن دیگری را نخواهد در این موضوع فهمید ولذا حکمای اسلامی چون علمی بن سینا و خواجه و دیگران انکار این موضوع را نکرده اند و انکار از حماقت و جهالت است

نسب شریف و تولد آنجناب

پدر بزرگوارش حضرت امام حسن عسکری والده ماجده اش فرجی خاتون دختر یسوعا که یسوعا پسر قیصر روم بود اشهر القاب آنحضرت مهدی و قائم نامش نام پیغمبر و کنیه اش ابوالقاسم بنا بر اشهر روایات و تواریخ در شب نیمه شعبان وقت طلوع فجر شب جمعه در سال دویست و پنجاه و شش مطابق عدد کلمه نور در سر من رای قدم بهرصه وجود نهاد و در ظرف چهار سال خواص شیعه مسائل خود را بامر حضرت عسکری در کاغذهای سر بسته از او سؤال میکردند و جواب میشنیدند در وقت رحلت حضرت عسکری چهار سال و پنج ماه هشت روز از سن شریفش گذشته بود و بعضی در روز نیمه شعبان نیز تولد آنجناب را نوشته اند

غیبت صغری و غیبت کبری آنحضرت

از برای آنحضرت دو غیبت است یکی غیبت صغری که هفتاد و چهار سال طول کشید از اول تولد تا آخر زمان سفرای اربعه که بسیاری از خواص شیعه بتوسط سفرای اربعه خدمت آنجناب میرسیدند و یا عرضه تقدیم میداشتند و سؤالات می نمودند جواب بآنها میرسید و اما غیبت کبری بعد از انقطاع سفارت بود در سال سیصد و سی و اکنون که زمان نوشتن این مختصر است که هزار و سیصد و شصت و پنج قمری است هزار و سی و پنج سال است از غیبت میگردد و از عمر آنحضرت یک هزار و صد و نه سال گذشته و هیچ کس نمی تواند برهان اقامه کند که ممکن نیست بشر این قدر عمر کند و قیاسی کردن عمر او را بر عمرهای معمولی برهان نیست

بلکه قیاسی است با سایر بشر نتوان کرد چونکه او آیتی است از آیات الهیه در کسوت بشری و کسانیکه میخواهند عمر آنحضرت را قیاسی با سایرین کنند و انکار کنند حیوة آنحضرت را برای این است که نه از علم و نه از فلسفه و نه از دین خبری ندارند و درجهل مرکب میباشند اخبار از مهدی های کاذب و حضرت صادق خبر داده در حدیث ابی بصیر که خبر از وجود آنحضرت میدهد که مردم در غیبت کبری از جهة طول عمر آنحضرت در شبه می افتند و انکار می کنند آنحضرت را و پیغمبر و سایر ائمه علیهم السلام تمامی از طول عمر آنحضرت و طول زمان غیبت خبر داده اند و خبر دادند که بسیاری ازین جهة در حیرت و در شبه می افتند و انکار او را می نمایند بهمین قیاس که عمر آنحضرت را میخواهند قیاس با عمر بشر نمایند و از شخص پیغمبر تا حضرت عسکری چیزی از گفتن فرو نگذاشته اند و تمام شبهات واقع در غیبت او را و کسانی که انکار او می نمایند و کسانی که بیاطل ادعای مهدویت مینمایند همه را خبر داده اند که در غیبت کبری دو ازده نفر از نسل علمی و ذریه فاطمه علیهما السلام و هفتاد و دو نفر از غیر نسل علمی علیه السلام باید بیایند و ادعا کنند که ما همان مهدی موعود هستیم و تاکنون شش نفر از سادات بحسب ظاهر و سی و دو نفر از غیر سادات بیشتر این ادعا نکرده اند شش نفر دیگر باید بیایند و ادعای مهدویت کنند و دین سازی نمایند و چهل نفر از غیر سادات را باید انتظار داشت که بیایند و این ادعا را نمایند و هر يك جمعی را از دین بیرون به برند مراجعه شود به سیزدهم بحار و الزام الناصب

و کتاب عوالم و در کتاب مرات الغیب این بنده کلیه این اخبار را با سند نوشته ام امید است بطبع برسد

سفرای آنحضرت

چهار نفر بودند اول عثمان بن سعید الاسدی دوم محمد بن عثمان بن سعید سوم حسین بن الروح النوبختی چهارم علی بن محمد السیمری و قبور هر چهار نفر در بغداد معروف است

اوتاد و ابدال و نجباء

چنانچه در مصباح کفعمی است و حضرت رسول خبر داده در بحار و سایر کتب اخبار نیز وارد است در عالم ارضی رجالی هستند که ارتباط بوجود حضرت حجة دارند و مردم آنان را نشناسند و آنان در میان خلایق نهانند و چند طبقه میباشند چنانچه در دعای وارده در مصباح است اللهم صل علی الاوتاد و الابدال الخ و فرموده اند که نجباء و نقباء و صلحاء همیشه سیصد و شصت نفر می باشند از میان ایشان هفتاد نفر برتری دارند که آنها را نجباء نامند و از آنها چهل نفر برتری دارند که ابدال لقب دارند و از ایشان چهار نفر برتری دارند که اوتاد لقب ایشان است و مهدی قطب است بمنزله عمود خیمه عالم وجود و اوتاد مرتبط با مهدی میباشند بمنزله چهار طناب خیمه و چون یکی از اوتاد وفات نماید از ابدال یکی بجای اوست و از نجباء بجای آن و از نقباء بجای او و همچنان یکی بجای آن و از مؤمنین یکی بجای آن انتخاب میشود و آنها براتب مقامات خود از

طرف قطب دائره امکان وجود امام زمان علیه السلام بامور باطن این
عالم مشغول میباشد چنانچه در حدیث این مسعودی است از حضرت رسول ص

فائده غیبت قلب عالم امکان

همان طور که قلب در وجود و هیکل آدمی مرکز حیوة
است و از آنجا توسط قلب و اعضاء مربوطه بقاب حیوة به اجزای هیکل
میرسد و حال آنکه اجزای آدمی خبر از قلب ندارند و او را
نشناسند امام زمان قلب عالم است و او مرکز حیوة است و از او
فیض بعوالم میرسد چه آنکه اجزای عالم او را به بینند یا نشنند
بشناسند یا نشناسند پس کسی نمیتواند بگوید اما غائب چه فائده
دارد این مثل آن است که انگشت آدمی بگوید من چرا قلب
را نمی بینم پس امام مرکز الحیوة است و اجزای عالم چه او را
بشناسند چه نشناسند او قلب عالم امکان و مرکز حیوة علم است امید است
که این جمله مختصر برای اهل یقین کافی باشد اگر در او تأمل
نمایند تم الكتاب بعون الله الملك الوهاب علی يد مؤلفه الفقير الحقير
الحاج سيد محمد علی بن علی الموسوی المبارکی